

پرسش ۱۰۱: معنای (الصَّلَاةِ الْوُسْطَى) (نماز میانه) در (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى)

سؤال / ۱۰۱: قال تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) ([398])، فما هي الصلاة الوسطى؟

حق تعالی فرموده است: (نمازها و نماز میانه را پاس بدارید). ([399]) نماز میانه کدام است؟

الجواب: الصلاة الوسطى هي صلاة الجمعة بالخصوص، وقرينتها في باقي الأيام، وهي صلاة الظهر، والأمر للمحافظة على صلاة الجمعة بالخصوص والتأكيد عليها؛ لأن فيها يجتمع المسلمون لإصلاح ما فسد من دينهم ودنياهم والاستزادة من فضل الله سبحانه وتعالى، هذا بحسب الظاهر.

پاسخ: نماز میانه، به طور خاص همان نماز جمعه است و قرینه‌ی آن در باقی ایام، نماز ظهر می‌باشد، و این امر به خصوص برای محافظت بر نماز جمعه و برای تاکید بر آن است؛ زیرا مسلمانان در آن برای اصلاح آنچه از دین و دنیای‌شان تباه شده است و همچنین فزون طلبی از فیض خداوند سبحان و متعال گرد هم می‌آیند؛ و این به حسب ظاهر است.

أما الحقيقة، فالصلاة هي الولاية لولي الله وحجته على عباده، فالصلاة الوسطى أو صلاة الجمعة هي العمل والجهاد بين يدي القائم (عليه السلام)، وصلاة القائم (عليه السلام) هي صلاة الجمعة؛ لأنه يجمع الأمة الإسلامية على الحق بعد أن فرقها أئمة الضلال والعلماء غير العاملين، وصلاة القائم (عليه السلام) هي الصلاة الوسطى؛ لأن أصحابه - وهم الصلاة وهم العمل والجهاد - هم الأمة الوسط ([400]): (وَكذلك جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) ([401]).

اما در حقیقت نماز همان ولایت ولیّ خدا و حجّت او بر بندگان است، و نماز میانه یا نماز جمعه همان عمل و جهاد در رکاب قائم می‌باشد و نماز قائم (علیه السلام) همان نماز جمعه است؛ چرا که وی امت اسلامی را بر حق گرد می‌آورد، پس از آنکه ائمه‌ی گمراه و علمای بی‌عمل آن را پراکنده ساخته‌اند. نماز قائم (علیه السلام) همان نماز میانه است زیرا یاران او - که نماز و همچنین عمل و جهاد هستند - همان امت می‌باشند ([402]); (آری چنین است که شما را بهترین امت‌ها گردانیدیم تا بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد). ([403])

**فمن المؤكد لن يكون أكثر المسلمين شهداء على الناس، فكيف يكون شارب الخمر أو الزاني أو أي عاص شاهداً على الناس في المحكمة الإلهية، بل إنّ هؤلاء الأمة الوسطى - وهم أئمة أيضاً - هم الثلاث مائة وثلاثة عشر، فهم شهداء على الناس؛ لأنهم عباد الله حقاً، فهم قوم عابدون مخلصون مستضعفون معروفون في السماء مجهولون في الأرض لا تأخذهم في الله لومة لائم.**

به طور قطع بیش‌تر مسلمانان نمی‌توانند شاهی بر مردم باشند. چطور ممکن است فردی شراب‌خوار یا زناکار یا هر معصیت‌کار دیگری، در دادگاه الهی بر مردم شاهد باشد، بلکه اینها امت میانه‌اند و اینها ائمه نیز می‌باشند و عبارت‌اند از سیصد و سیزده نفر و اینها گواهان بر مردم هستند چرا که بندگان واقعی خدا می‌باشند. اینها گروهی هستند عابد، مخلص و مستضعف که در آسمان معروف‌اند و در زمین گمنام، و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند.

**قال تعالى: (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) ([404]).**

حق تعالی می‌فرماید: (و ما بر آن هستیم که بر کسانی که روی زمین به استضعاف کشیده شدند منت گذاریم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم). ([405])



[398] - البقرة : 238.

[399] - بقره: 238.

[400] - جاء عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في نهاية حديث افتراق الأمة: (... ثم قال: ثلاث عشرة فرقة من الثلاث والسبعين كلها تتحل مودتي وحببي، واحدة منها في الجنة وهم النمط الأوسط، واثننا عشرة في النار) الأماالي للشيخ الطوسي: ص 524.

[401] - البقرة : 143.

[402] - از امير المؤمنين (عليه السلام) در پايان حديث چند پاره شدن امت روايت شده است: (... سپس فرمود: سيزده فقره از هفتاد و سه تا كه همگي ادعای دوستی و محبت من را دارند، فقط یکی از آنها در بهشت می باشد كه همان امت میانه است و دوازده تاي ديگر در آتش هستند). امالی شيخ طوسی: ص 524.

[403] - بقره: 143.

[404] - القصص : 5.

[405] - قصص: 5.